

سیستم مدیریتی  
وظیفه‌اش است  
که با مردم تعامل  
برقرار کند ولی  
باید مردم خواهان  
باشند نه اینکه  
خود سیستم  
مدیریتی هم  
متولی شود و هم  
بگوید من برای  
تو جوش میزنم!



در حالی که باید افراد خودشان توسعه را کسب کنند، باید برایش تلاش کنند، زحمت بکشند، اگر می‌خواهد ۱۰ سال هم طول بکشد ولی خودشان به دست بیاورند.

#### ◆ کاسه داغ‌تر از آتش نشویم!

اگر ما بخواهیم همه چیز را تسهیل کنیم و برایش آسفالت بریزیم و مدرسه درست کنیم و این کارها را انجام دهیم نتیجه‌اش همان انفعال می‌شود، مردم می‌گویند ما اصلاً فکر و اعتراض نکنیم یا نکنیم، پیگیر باشیم یا نباشیم، مسئولان این کار را میکنند. پس بهترین حالت این است که می‌خواهیم با مشارکت ۱۰۰ درصدی خود مردم به توسعه برسیم، سیستم مدیریتی وظیفه‌اش است که با مردم تعامل برقرار کند ولی باید مردم خواهان باشند نه اینکه خود سیستم مدیریتی هم متولی شود و هم بگوید من برای تو جوش میزنم! نه، مدیریت شهری که نمی‌تواند کاسه داغ‌تر از آتش بشود.

اگر پروسه توانمندسازی را متعادل ببینیم به نتیجه مطلوب می‌رسیم، این پروسه باید رویکرد اجتماعی داشته باشد، شما اصلاً نباید پول وارد محله کنید، بلکه باید مردم آموزش ببینند و از حیث اقتصادی بتوانند خودشان کاری راه بیاندازند، از ظرفیت‌های قانونی که برایشان مهیا است و از حق و حقوقی که برایشان مهیا است، آگاه شوند. باید تلاش کنیم ۳۰ درصد هزینه آسفالت کردن را حداقل خود مردم بدهند، شما مردم را وارد این عرصه برای تعامل کنید، تجربه ثابت کرده است که آن‌ها پای کار بوده‌اند، از بیل برای صاف کردن کوچه تا پول برای آسفالت آورده‌اند، در آن زمان که برای خدمات‌دهی به این مناطق می‌رفتم، یکی می‌گفت آقا من فلان چیز را دارم، دیگری می‌گفت می‌توانم فلان کار را انجام دهم، دیگری می‌گفت می‌توانم کارگری کنم! هر کدام یک کاری را شروع به انجام دادن می‌کردند، بعد هم خودشان از آن آسفالت حفاظت می‌کردند

#### ◆ همه چیز با پول قابل حل نیست

قرار نیست پول به این مناطق بریزیم، جهادگران سازندگی اصلاً با پول یا مردم کار نمی‌کردند، جهاد سازندگی را می‌گویم که اوایل انقلاب به روستاها می‌رفت و می‌گفت مساله‌تان چیست و مطابق با نیاز مردم آن را حل می‌کرد. مردم توانایی و ظرفیت‌های زیادی دارند اما مهم ارتباط برقرار کردن است، در زمان مدیریت من ۵ سالن ورزشی در این مناطق ساخته شد اما الان ۴ موردش

تجربه مردم محوری از جنس جهاد سازندگی

## برنامه از دولت اجرا از مردم

#### یادداشت

عباس افچنگی - مدیر اسبق مدیریت ساماندهی حاشیه شهر داری مشهد



زمانی که موضوع حاشیه شهر مطرح می‌شود، بارها گفته‌ام که در یک اتاق ننشینیم و بحث کنیم، همین حرف‌هایی را که می‌خواهیم بگوییم، در ماشین‌هایمان و در حال بازدید از منطقه بگوییم، بعد با خود مردم تماس بگیریم و متوجه شویم که چه تحلیل‌های قوی‌ای دارند و چه راحت می‌توانند بعضی مسائل را حل کنند.

#### ◆ برنامه‌ریزی بالا به پایین جواب نمی‌دهد

حرف زدن سیستم‌های مدیریتی و پشت میزی یعنی اینکه متخصصین دور هم بنشینند و حرف بزنند و تصور کنند که یک چاه نفت پشت سرشان قرار دارد و جیبشان هم پر از پول است، بگویند ۶۶ محله دارند و هر محله اگر ۳ میلیارد تومان خرج کنند، ۱۹۸ میلیارد تومان میشود و به دولت هم می‌گویند این پول را در جیبمان بریز چرا که می‌خواهیم در اینجا خرج کنیم! اما اگر همه این‌ها را هم درست کنیم، مگر مردم همه این‌ها را می‌خواهند؟ لذا برنامه‌ریزی بالا به پایین اصلاً جواب نمی‌دهد. طی سال‌های گذشته در سیستم اقتصادی کشور ما افرادی به وجود آمدند که قبلاً هیچ چیزی نداشته است اما ناگهان همه چیز دارند، تازه به دوران رسیده می‌شوند، اگر قرار باشد ما هم همه چیز را به محدوده‌های فقیر شهری بدهیم، یک تعداد تازه به دوران رسیده می‌شوند،